آیة الله العظمی مکارم شیرازی

اخلاق و تقوی

تهیه و تنظیم:

حسین طهماسبی

جایگاه مؤمن نزد خدا

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام قَالَ: لَمَّا أُسْرِيَ بِالنَّبِيِّ صلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ: يَارَبِّ مَا حَالُ الْمُؤْمِنِ عِنْدَكَ قَالَ يَامُحَمَّدُ مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيّاً فَقَدْ بَارَزَنِي بِالْمُحَارَبَةِ وَ أَنَا أَسْرَعُ شَيْءٍ إِلَى نُصْرَةِ أَوْلِيَائِي الْحَدِيثَ.[1]

امام باقر عليه‌السلام می‌فرماید: در شب معراج، پیامبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله به خدا عرض کرد: خدایا مقام و موقعیّت مؤمن نزد تو چگونه است؟ خداوند فرمود: ای محمّد! کسی که به یکی از دوستان و بندگان من اهانت کند، در مقام مبارزه و جنگ با من برآمده است و من بسیار زود دوستانم را حمایت و یاری می‌کنم.

شرح و تفسیر

در این باب حداقل چهار روایت با این مضمون وجود دارد که اهانت به مؤمن را اعلام جنگ و مبارزه با خدا و یا اعلام جنگ خدا با او می‌داند.

در دنیای امروز از حقوق بشر زیاد صحبت می‌شود ولی با مراجعه به آیات و روایات مشاهده می‌کنیم موقعیتی که انسان و شخص باایمان نزد خدا دارد در هیچ مکتبی جز اسلام نیست و اهانت به او جنگ با خداست.

ازجمله اموری که اسلام بسیار به آن اهمیّت می‌دهد آبروی مسلمان و انسان است. آبروی انسان محترم است و هرگونه جسارت و نسبت ناروا به او باعث حدّ شدید است.

---

۱. وسائل الشیعة، ج۱۲، ص ۲۶۵.

اهانت به اشخاص از طرق مختلف ممکن است، مانند غیبت که از گـناهان کبیره است و جزای آن بسیار سنگین می‌باشد و دلیل حرمت آن این است کـه آبروی انسان‌ها را می‌برد و اهمیّت غیبت به‌دلیل اهمیّت حفظ آبروی انسان است.

تهمت زدن نیز یکی دیگر از گناهان کبیره است و یا پخش شایعات درمورد افراد باایمان نیز آبروی انسان‌ها را می‌برد و برای آن عذاب شـدید وعـده داده شده است.

از دیگر گناهان کبیره، مذمّت و هجاء مـؤمن است، چـون آبـروی انسـان را می‌برد ولی متأسفانه در محیط ما اهانت امرساده‌ای شده است و به‌سادگی آبروی همدیگر را می‌ریزند و به یکدیگر برچسب می‌زنند. اگر این کارها ادامه پیدا کند خدا غضب می‌کند. مال و جان و آبروی مـؤمن بسـیار مـهم است؛ مـا بـاید از خودمان شروع کنیم، هر شایعه‌ای را پخش نکنیم و زبانمان را حفظ کنیم.

در دعای روزهای هفته امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «خدایا اگر آبروی کسی را ریخته‌ام و دستم به او نمی‌رسد...» معنایش این است که اگر دسترسی دارد باید حلّیت بطلبد.

□ ■ □

کمک به دیگران

شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و مشاهده کرد جمعیتی خدمت امام علیه السلام نشسته‌اند، امام علیه السلام فرمود:

عَنْ أَبِي هَارُونَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: قَالَ: قَالَ لِنَفَرٍ عِنْدَهُ وَ أَنَا حَاضِرٌ مَا لَكُمْ تَسْتَخِفُّونَ بِنَا قَالَ فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ خُرَاسَانَ فَقَالَ مَعَاذٌ لِوَجْهِ اللَّهِ أَنْ نَسْتَخِفَ بِكَ أَوْ بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِكَ فَقَالَ بَلَى إِنَّكَ أَحَدُ مَنِ اسْتَخَفَّ بِي فَقَالَ مَعَاذٌ لِوَجْهِ اللَّهِ أَنْ أَسْتَخِفَّ بِكَ فَقَالَ لَهُ وَيْحَكَ أَ لَمْ تَسْمَعْ فُلَاناً وَ نَحْنُ بِقُرْبِ الْجُحْفَةِ وَ هُوَ يَقُولُ لَكَ احْمِلْنِي قَدْرَ مِيلٍ فَقَدْ وَ اللَّهِ عَيِيتُ وَ اللَّهِ مَا رَفَعْتَ بِهِ رَأْساً لَقَدِ اسْتَخْفَفْتَ بِهِ وَ مَنِ اسْتَخَفَّ بِمُؤْمِنٍ فَبِنَا اسْتَخَفَّ وَ ضَيَّعَ حُرْمَةَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.[1]

امام صادق علیه السلام فرمود: چرا شما به ما (اهل بیت علیهم السلام) اهانت می‌کنید؟! (حاضران تعجب کردند) راوی می‌گوید: شخصی خراسانی قیام کرد و عرض کرد: پناه بر خدا چگونه به شما و اوامرتان اهانت می‌کنیم؟ حضرت فرمود: بله تو یکی از اهانت‌کنندگان به ما هستی. آن شخص عرض کرد: پناه بر خدا که به‌شما اهانت کنم. حضرت به او فرمود: وای بر تو! آیا صدای فلانی را نشنیدی زمانی که نزدیک میقات جحفه بودیم و او از تو درخواست کرد که مرا به‌اندازهٔ یک میل همراه خودت ببر، به خدا خسته شده‌ام ولی به خدا تو حتّی سرت را بلند نکردی

---

۱. وسائل الشیعة، ج۱۲، ص ۲۷۲.

و او را خفیف ساختی و هرکس مؤمنی را خفیف کند به ما اهانت کرده و حرمت خدا را رعایت نکرده است.

شرح و تفسیر

این منطق اسلام است ولی در دنیای مادّی امروز این حرف‌ها نیست و اگر کسی کمک بخواهد به او توجّه نمی‌کنند.

اسلام می‌گوید: اگر مسلمانی صدای انسانی را بشنود که از مسلمانان کمک می‌خواهد و کمکش نکند مسلمان نیست. مطابق منطق اسلام مسلمانی به نماز و قرآن نیست بلکه به این گونه برنامه‌هاست، به‌عنوان مثال، اگر مسلمان می‌بیند شخصی بیمار است و یا دختری جهیزیه ندارد و یا اجاره خانه ندارد و اثاثش را بیرون می‌ریزند، و به این امور بی‌توجّه باشد درواقع به امام زمان علیه السلام توهین کرده است چون فرمودند: پیروان ما از ما جدا نیستند. پس باید به دیگران کمک کرد و در مصیبت تسلّی داد، نباید بی‌تفاوت بود چراکه خداوند به جمعیتی که به فکر بیچارگان نباشد رحم نخواهد کرد و آن‌ها را به بلاهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گرفتار می‌کند.

□ ■ □

قطع رحم

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام: إِذَا قَطَّعُوا الْأَرْحَامَ جُعِلَتِ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ.[1]

امام باقر عليه‌السلام می‌فرماید: حضرت علی عليه‌السلام فرمود: اگر قطع رحم کنید خداوند اشرار را بر اموالتان مسلط می‌کند.

وَ عَنْهُمْ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام فِي حَدِيثٍ أَنَّ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ قَطِيعَةَ الرَّحِمِ.[2]

حضرت علی عليه‌السلام می‌فرماید: از جمله گناهانی که زمان مر را جلو می‌اندازد قطع رحم است.

شرح و تفسیر

در اسلام به مسألهٔ صلهٔ رحم و قطع رحم اهمیّت زیادی داده شده و ازجمله تعبیرات جالب این است: «**صِلةُ الرَحِمِ تَزيدُ فِي الأَعْمٰارِ وَتَعْمِرُ الدَيٰار**».

از مجموع روایات استفاده می‌شود که ازجمله گناهانی که در دنیا دامان انسان‌ها را می‌گیرد قطع رحم است و پاداش صلهٔ رحم نیز در دنیا داده می‌شود.

---

۱. وسائل الشیعة، ج۱۲، ص ۲۷۳.

۲. همان.

متأسفانه هرچه دنیا رو به تمدن مادّی می‌رود این امور و برنامه‌ها کمرنگ می‌شود و گاه دو برادر به‌دلیل اختلاف مالی، به‌عنوان مثال، بر سر ارث، ده‌ها سال از هم قطع ارتباط می‌کنند. این بلای بزرگی است و اثرات بسیار مهمّی دارد.

صلهٔ رحم درمورد خویشاوندان نَسَبی است چراکه رَحِم اشاره به نسبی‌هاست و دارای مراحلی است: یک مرحلهٔ آن دید و بازدید، مرحلهٔ دیگر شرکت در شادی‌ها و غم‌های آنان، مرحلهٔ دیگر عیادت از آنان و مرحلهٔ دیگر کمک‌های مادّی و جسمی است.

معنای ارتباط با ارحام، رسیدگی به مشکلات آنان است نه صرفاً احوالپرسی و دید و بازدید. عیادت از خویشاوندی که بیمار است صرفاً احوالپرسی نیست بلکه اگر کمک مالی لازم دارد باید به او کمک کند.

ارحام درجاتی دارند، مانند درجات ارث و هرچه نزدیک‌تر باشند پیوند باید محکم‌تر باشد و قطع رحم خطرش بیشتر است.

فلسفهٔ صلهٔ رحم چیست؟

اسلام می‌خواهد با این عمل یک بیمهٔ خانوادگی درست کند. بیمه به این معناست که مشکلات، بین عموم تقسیم شود، که اگر صلهٔ رحم درست انجام شود و همه آن را به‌جا آورند، مشکلات حل می‌شود؛ پس صلهٔ رحم یک نوع بیمهٔ توأم با محبّت خانوادگی است و مشکلات عمومی ازطریق این بیمهٔ فامیلی حل می‌شود و برنامه‌ای بسیار حساب‌شده است.

دنیای امروز دنیای مر عواطف است و در دنیای مادّی، جوان‌ها که بزر می‌شوند ارتباط خانوادگی قطع می‌شود و هنگامی‌که پدر و مادرها پیر شدند جایشان سرای سالمندان است.

به ارزش‌های اسلامی بها دهیم که سرمایهٔ حقیقی همین است.

□ ■ □

دادن جواب بدی با خوبی

جَاءَ رَجُلٌ فَشَكَا إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام أَقَارِبَهُ فَقَالَ لَهُ اكْظِمْ غَيْظَكَ وَ افْعَلْ فَقَالَ إِنَّهُمْ يَفْعَلُونَ وَ يَفْعَلُونَ فَقَالَ أَ تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُمْ فَلَا يَنْظُرَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ.[1]

شخصی به امام صادق‌علیه‌السلام از خویشاوندانش شکایت کرد، حضرت به او فرمود: خشمت را فرو خور و با آن‌ها مدارا کن. عرض کرد که آن‌ها مرا اذیّت می‌کنند، حضرت فرمود: آیا تو نیز می‌خواهی مانند آن‌ها باشی و خدا به شما نظر لطف و رحمت نکند؟

شرح و تفسیر

روایت درمورد قطع رحم است. در میان مردم، منطقی حاکم است که جواب بدی را باید داد و برای حفظ آبرو باید قیام کرد، و منطق انتقام، غلبه دارد؛ به‌عنوان مثال، من بیمار شدم و برادرم به عیادتم نیامد، اکنون او بیمار است من هم نمی‌روم. یا نیازمند شده ولی چون به من کمک نکرده من هم کمک نمی‌کنم.

اسلام برنامهٔ انتقام ندارد و فقط در مواردی که موجب جسورتر شدن شخص مقابل می‌شود اجازهٔ انتقام می‌دهد و اساس قرآن بر عفو است. قرآن در مسألهٔ قتل نفس بعد از ذکر قصاص می‌فرماید: ﴿**فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ**﴾،[2]

---

۱. وسائل الشیعة، ج۱۲، ص ۲۷۳.

۲. بقره، آیهٔ ۱۷۸.

از قاتل تعبیر به برادر می‌کند چون ممکن است قاتل واقعاً پشیمان باشد و بتوان او را عفو کرد.

انتقام غالباً تصاعدی پیش می‌رود و تبدیل به یک جنگ دامنه‌دار می‌شود و چیزی که می‌تواند این خشونتِ تصاعدیِ منجر به نزاع دامنه‌دار را متوقّف کند، عفو و گذشت است به‌خصوص درمورد خویشاوندان. مال دنیا چه ارزشی دارد که برای آن ورثه به جان هم بیفتند؟

□ ■ □